

صنعت فناوری به روایت کارگران

تلاش‌های
فناوری

الکس ن. پرس



ترجمه‌ی فن مردم



Illustration by Tim Robinson

مروری بر کتاب «صدهایی از سیلیکون ولی: کارگران حوزه‌ی فناوری از چستی و چگونگی آنچه می‌کنند سخن می‌گویند» به‌ویراستاری بن تارناف و مویرا وایگل

صنعت فناوری صد البته همیشه کارفرمایان و کارگرانی داشته است، اما تا چند سال پیش، بیشتر پوشش‌های خبری این بخش تصویر متفاوتی ارائه می‌دادند. به ما می‌گفتند که دره‌ی سیلیکون¹ کانون اختیارگرایی² است. یک فن-آرمان شهری³ که [خیال] جویندگان طلای قرن بیست و یکمی را تقویت کرد، که آن را مهندسان نرم‌افزار به پیش می‌رانند؛ آنها روی رایانه‌هایشان خیمه زده‌اند و تنها برای بازی پینگ‌پنگ یا نوشیدن چای کامبوچا سر از کار بلند می‌کنند. در عنوان رسانه‌ها پرسیده می‌شد: «آیا این اپلیکیشن (app) زندگی شما را تغییر خواهد داد؟» به خوانندگان گفته می‌شد از آخرین هک توسط نوابغ غرب حظ ببرند. به ما گفته می‌شد «این آینده است».

ساده‌لوحانه است که بگوییم تنها انتخاب دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ همه‌ی اینها را تغییر داد، اما این نقطه‌ی عطفی بود و این بخش را در معرض کندوکاوی بیشتر قرار داد. کارگران مدت مدیدی بود که از شرکت‌هایشان به‌ویژه در مورد تبعیض‌های نژادی و جنسیتی انتقاد می‌کردند، اما در آن سال، این انتقادات به شکل گسترده‌تری شنیده شد.

چرا این تغییر رخ داد؟ از یک سو، مسبب‌اش ترامپ و سیاسی‌شدن فزاینده‌ای بود که پس از ظهور او ایجاد شد. وقتی رئیس‌جمهور هنجارهای رفتاری‌ای را نقض کرد که وجودشان زمانی به بخش بزرگی از طبقه‌ی متوسط قوت قلبی از کارآمدی کلی دولت می‌داد، دیگر منصفانه بود که به هر چه اطراف او بود انتقاد شود، و این شامل برخی از مشهورترین شرکت‌های فناوری می‌شد.

از سوی دیگر، موجی از سازماندهی [کارگری] به راه افتاد، حتی (و به‌گفته‌ی برخی به‌ویژه) در میان کارگران یقه‌سفید⁴. در منطقه‌ی خلیج [سان فرانسیسکو]⁵، «ائتلاف کارگران فناوری»⁶ کارگران شرکت‌های مختلف با وضعیت‌های شغلی گوناگونی را گرد هم آورد. به‌طور مثال، برنامه‌نویس تمام‌وقت با مزد بالاتر و نویسنده‌ی قراردادی حوزه‌ی فناوری در حال گفتگو بودند و گاهی اوقات کارگران کم‌مزد قراردادی، کسانی که غذای آنها را می‌پختند یا دفاترشان را تمیز می‌کردند نیز، به آنها می‌پیوستند. اتحاد

صنعت فناوری به روایت کارگران

صنعت فناوری، که به عموم نمایش داده شده بود و چهره‌اش مدیران عامل بودند، واژگون شد؛ حالا هدف اتحاد میان کارگران بود.

اعتراضات برگزار شد. طومارها پخش شد. کنش‌های محل کار تکثیر شد. خبرنگاران این فعالیت‌ها را از نزدیک دنبال می‌کردند: این کارگران چه کسانی بودند و چه شکایتی داشتند؟ دقیقاً چه چیزی در تمام این سال‌ها بیرون از رسانه‌ها مانده بود؟ بن تارنوف و مویرا وایگل⁷، ویراستاران کتاب «صداهایی از سیلیکون ولی»،⁸ کتاب جدیدی از نشر اف.اس.جی اوريجینال⁹، پاسخ‌هایی مقدماتی به این پرسش‌ها دادند. تارنوف که خود کارمند حوزه‌ی فناوری است، در مورد موضوعاتی از قبیل سیل کمک‌های مالی کارکنان فناوری به کمپین ریاست جمهوری ۲۰۱۶ برنی سندرز، تلاش [کارفرمایان] برای کاهش دستمزدها از طریق کمپ‌های برنامه‌نویسی و لحاظ کردن اینترنت به عنوان یک حق عمومی (در میان ده‌ها مقاله دیگر، از جمله چندی برای همین مجله‌ی ژاکوبین) نوشته است. وایگل یکی از اولین گزارش‌های بلند دوران کنونی را درباره‌ی جنبش نوپای کارگران فناوری برای گاردین نوشت.

در سال ۲۰۱۷، این زوج به‌همراه کریستا هارتسوک و جیم فینگال، مجله‌ی لاجیک¹⁰ را راه‌اندازی کردند که نشریه‌ای برای پوشش خبری متفاوتی از حوزه‌ی فناوری بود. سردبیران در مانیفست سرآغاز نشریه می‌نویسند: «ما می‌خواهیم سؤال‌های درستی بپرسیم. ابزارها چگونه کار می‌کنند؟ سرمایه‌گذاران و سازندگان آنها چه کسانی هستند و چگونه از آنها استفاده می‌شود؟ چه کسانی را ثروتمند می‌کنند و چه کسانی را فقیر؟ چه آینده‌هایی را امکان‌پذیر می‌کنند و کدام را سلب؟» شماره‌ی اول که حول موضوع «هوش» بود شامل مطالبی بود درباره‌ی ویژگی‌هایی در مورد اسکن عصبی¹¹، تبعیض جنسیتی در جهان برنامه‌نویسی، داده‌شدگی¹² حرفه‌ی پزشکی و گفت‌وگو با یک دانشمند ناشناس علوم داده‌ها.

اولین پروژه‌ی لاجیک که به درازی یک کتاب بود «فن علیه ترامپ»¹³ مجموعه مصاحبه‌ای بود که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد. بخش مربوط به کار این مجموعه شامل گفتگو با رهبران ائتلاف کارگران فناوری،¹⁴ سیلیکون ولی رایزینگ،¹⁵ اتحاد کارگران

خدماتی غرب¹⁶ SEIU و همبستگی فن¹⁷ می‌شود و نوری می‌تاباند بر مقاومتی که به سرعت در دره‌ی سیلیکون در حال ساخته شدن است.

کتاب «صداهایی از سیلیکون ولی» در امتداد همان حال و هوای کتاب «فن علیه ترامپ» است. این کتاب یکی از چهار کتابی است که حاصل همکاری لاجیک و نشر اف.اس.جی هستند (کتاب‌های دیگر از این قرارند: «بحران توجه همچون اعطای وام درجه‌دو»¹⁸ اثر تیم هوانگ¹⁹، «آنچه فناوری تفکر می‌خواند» اثر آدریان داوب²⁰ و مزرعه‌ی مرغ بلاک‌چین اثر شائووی وانگ²¹). این مجلد کوچک شامل مصاحبه‌هایی است با هفت کارمند صنعت فناوری که همگی ناشناس هستند تا پیمان‌نامه‌های عدم افشای²² متداول در این صنعت را دور بزنند.

هر شرکتی می‌خواهد یک شرکت فناوری باشد

یک ماساژدرمانگر در «صداهایی از سیلیکون ولی» در پاسخ به اینکه رها کردن بدن منقبض کارکنان فناوری چگونه است، می‌گوید: «این قدرها با کوبیدن گوشت کهنه، که سفت شده است، قبل از پختن تفاوتی ندارد». این کار سخت باعث شد او به آرتروز مبتلا شود. در شرکتی که او با آن به عنوان ماساژدرمانگر قرارداد داشت، فقط کارمندان تحت استخدام مستقیم شرکت می‌توانستند از خدمات او استفاده کنند - شرکت با خواست او برای ارائه‌ی خدمات به کارکنان قراردادی آشپزخانه مخالفت کرد.

تصمیم تارنوف و وایگل برای مصاحبه با یک ماساژدرمانگر در کنار یک بنیانگذار شرکت، چیزی است که «صداهایی از سیلیکون ولی» را در میان کتاب‌های بی‌شمار صنعت فناوری برجسته می‌کند. این کتاب، علاوه بر ماساژدرمانگر و بنیانگذار، شامل مصاحبه‌هایی است با یک نویسنده‌ی فنی، یک آشپز، یک مهندس، یک متخصص علوم داده و یک داستان‌سرا (کلمه‌ای که نویسندگان برای ارجاع به متخصصان حوزه‌های ارتباطات، بازاریابی و سیاست‌گذاری عمومی استفاده می‌کنند).

در کلیت‌اش، کتاب طیفی از دیدگاه‌ها را دربرمی‌گیرد که بسیار گسترده‌تر از پوشش معمولی دره سیلیکون است. اگر قرار است مفهوم «کارگر فناوری»، که توسط بسیاری از سازمان‌دهندگان نیروی کار در صنعت استفاده می‌شود، جدی گرفته شود،

صنعت فناوری به روایت کارگران

باید پذیرای چنین دیدگاه‌های ویژه و آرایه‌ای از ترتیبات استخدامی که شامل می‌شوند بود.

از آن‌جا که شرکت‌های فناوری تعداد بسیاری از کارگران پیمان‌کاری را (یا تی‌وی‌سی‌ها)²³، آن‌طور که غالباً به آنها ارجاع داده می‌شود، و به معنای موقت، فروشندگان و پیمانکاران است.²⁴ استفاده می‌کنند، یک کتاب در مورد کارگران فناوری نمی‌تواند تنها بر کارمندان تمام وقت²⁵ تمرکز کند. و این کارگران تی‌وی‌سی تنها کارگران کم دستمزد نیستند - روزبه‌روز کار یقه‌سفیدها در حوزه‌ی فناوری بیشتر شکل پیمان‌کاری گرفته است. در گوگل اکثریت نیروی کار تمام‌وقت‌ها هستند. این تغییر در شکل استخدام به انتقال مسئولیت و ریسک از کارفرمایان به پیمانکاران شخص ثالث و در نهایت فرد فرد کارگران ارتباط دارد. این شاید نوآوری کلیدی صنعت فناوری باشد: آریترائز نیروی کار²⁶.

به سبب اساسی بودن این موضوع است که شرکت‌های دارای نیروی کار بی‌ثبات (اقتصاد گیگ)²⁷ مانند لیفت، اوبر و دورش²⁸ در مجموع صدها میلیون دلار برای تصویب پروپوزیشن ۲۲ در کالیفرنیا هزینه کرده‌اند، تا آنها را از طبقه‌بندی مجدد پیمانکاران مستقل در قلب مدل‌های تجاری خود به عنوان کارمندان مستقیم نجات دهد.

کتاب تارنوف و وایگل این تحول را با روایت یک مهندس گوگل از تغییر شرکت در جایگزین شدن کارمندان تمام‌وقت با تی‌وی‌سی‌ها دنبال می‌کند. این مهندس می‌گوید در ابتدا استخدام تی‌وی‌سی‌ها «موجه به نظر می‌رسید». «گوگل افراد را برای انجام هر کاری استخدام نمی‌کند.» اما با گذشت زمان، تغییری رخ داد. «گوگل از این ایده که «پروژه‌ی ویژه‌ای داریم که به چند صد نفر با مجموعه مهارت‌هایی احتیاج دارد که هیچ کارمند دیگر گوگل ندارد» گذر کرد به سوی تبدیل شغل‌های تمام‌وقت به شغل‌های موقتی یا پیمانکاری.»

این تغییر به گوگل یا حتی به صنعت فناوری محدود نمی‌شود: این تغییر در شرکت‌های هر حوزه‌ای اتفاق می‌افتد. همانطور که تارنوف و وایگل در مقدمه می‌نویسند «هر شرکتی می‌خواهد یک شرکت فناوری باشد.»

تشکیل اتحادیه فقط نخستین گام است

یک شرکت فناوری دقیقاً چیست؟ از دل این مصاحبه‌ها یک طرح کلی ظاهر می‌شود. در یک سر این طیف از مصاحبه‌شوندگان، بنیانگذار شرکت می‌گوید استارت‌آپ‌ها امیدوارند خریداری شوند، شرکت‌هایی که سعی می‌کنند ارزش بالقوه‌ی خود بنیانگذاران را نشان دهند و لزوماً هیچ مسأله‌ی مفیدی را حل نمی‌کنند. از سوی دیگر غول‌هایی هستند که استارت‌آپ‌ها را به دست می‌آورند «به این امید که تزریق مرتب خون صاحب‌کار نوآور²⁹ آنها را جوان و چابک نگه دارد» (که یادآور علاقه‌ی نگران‌کننده پیترو تیل، مدیرعامل پلانتیر³⁰ به [تزریق خون جوانان](#) به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به جاودانگی) است.

نویسنده‌ی فنی تبعیض و آزار جنسیتی را توصیف می‌کند و می‌گوید که یک شرکت فناوری محل کاری است با گروهی چنان غیرحرفه‌ای که از زنی که بالقوه ممکن است استخدام شود در مصاحبه می‌پرسند «اگر کسی تمام روز به سمت شما توپ‌های کاغذی پرتاب کند چه کار می‌کنید؟» او به یاد می‌آورد که همان روزی که قصد درخواست مرخصی زایمان داشت اخراج شده است. شرکت فناوری این نیز هست.

دانشمند علوم داده صنعت را به عنوان مکانی مملو از غلو³¹ و سوگیری الگوریتمی³² توصیف می‌کند. آشپزی که در اوکلند بزرگ شده است، می‌گوید اولین شرکت فناوری که با او قرارداد آشپزی بست، مکانی بود که در آن بنزها، لامبورگینی‌ها، پورشه‌ها، فراری‌ها و بنتلی‌ها پارکینگ را پر می‌کردند. مهندس گوگل از دوستش روایت می‌کند که می‌گوید شرکت «به انجام کار درست اعتقاد دارد - تا زمانی که برای گوگل خرج نداشته باشد.»

اما یک شرکت فناوری فقط [داستان] نابرابری نیست؛ وقتی صحبت از بهره‌کشی از نیروی کار می‌شود، ماجرا هرگز چنین ساده نیست. مبارزه نیز وجود دارد. آشپز به سازماندهی اتحادیه در دومین شرکت فناوری خود کمک می‌کند. او و همکارانش بعد از کار در پارکینگ گپ می‌زنند یا بعد از شیفت کاری با هم پیتزا می‌خورند.

صنعت فناوری به روایت کارگران

فهمیدن مشکلات آنها (برخی از آشپزهای همکار او روزانه دو ساعت در رفت‌وآمد هستند) او را تشویق می‌کند که برای همه مبارزه کند. و کارگران فناوری یقه‌سفید هم به آشپزها کمک می‌کنند. او می‌گوید: «آنها از انتظارات فراتر از رفتند». ائتلاف کارگران فناوری پدید آمد. آشپز این موضوع را به صراحت بیان می‌کند: شرکت‌های فناوری «نمی‌خواهند برای کمک مسئولیتی به عهده بگیرند».

کارگران فناوری با دستمزد پایین تنها کسانی نیستند که سازماندهی می‌کنند. مهندس و نویسنده‌ی فناوری تلاش‌های اخیر و معضلاتی را ارزیابی می‌کنند که با تجسس رسانه‌ای بیشتری همراهند. بنیانگذار، در بین همه‌ی اینها، منطق غیرقابل بحث سود را به عنوان دیواری در برابر تلاش‌ها برای سازماندهی می‌بیند. او می‌گوید: «ما کنترل خصوصی را امتحان کرده‌ایم. اما اکنون در مورد کنترل کارگری صحبت می‌کنیم.» داستان‌سرا، که تجسم ایدئولوژی است، ایمان خود را به کلمات از دست می‌دهد.

ما نمی‌دانیم مصاحبه‌شوندگان این کتاب در آینده چه خواهند کرد. ما حتی نمی‌دانیم آنها چه کسانی هستند. اما همانطور که آشپز تأکید می‌کند، تشکیل اتحادیه فقط نخستین گام است؛ مذاکره‌ی قرارداد «پرزحمت» است. همه‌ی آنها راه درازی در پیش دارند، اگر به مبارزه ادامه دهند.

«صداهایی از سیلیکون ولی» قصه‌ی برای پیش‌بینی آینده ندارد. اما در صنعتی، چنین پنهان‌کارانه، کتاب تصویری بسیار ارزشمند ارائه می‌دهد. به هر حال، از جهاتی، هر شرکتی می‌خواهد یک شرکت فناوری باشد.

پیوند با متن انگلیسی:

<https://jacobin.com/2020/10/voices-from-the-valley-silicon-valley-tech-industry-workers>

¹ Silicon valley

² Libertarianism

3 Techno-utopianism

4 کارگر یقه‌سفید اصطلاحی است که در مورد نیروی کار حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای، یا دفتری یا حتی مدیریتی به کار برده می‌شود.

5 Bay Area

6 Tech Workers Coalition

7 Ben Tarnoff and Moira Weigel

8 Voices From the Valley

9 FSG Originals

10 Logic

11 Neural scanning

12 datafication

13 Tech Against Trump - <https://logicmag.io/tech-against-trump/>

14 Tech Workers Coalition

15 Silicon Valley Rising

16 SEIU United Service Workers West

17 Tech Solidarity

18 کتاب در مورد درآمدزایی شرکت‌های فناوری از توجه کاربران است. عنوان کتاب اشاره‌ای است به ارزش‌گذاری کاذب این توجه همچون وام‌های درجه‌دو.

19 Tim Hwang - Subprime Attention Crisis

20 Adrian Daub- What Tech Calls Thinking

21 Xiaowei Wang - Blockchain chicken farm

22 Non-disclosure agreement

23 TVC

24 Temps, Vendors, and Contractors

25 FTEs (full time employees)

26 Labor arbitrage.

فعالیت معطوف به استفاده از کم‌بهراترین نیروی کار برای تولید، و استفاده از اختلاف دستمزد بین نیروهای کاری مشابه

27 Gig economy

28 Uber، Lyft و DoorDash

29 entrepreneurial blood

30 Palantir

31 hype

32 algorithmic bias